

## نقش نظامیه‌ها در انحطاط علوم اسلامی

سمیه انصاری<sup>۱</sup>

### چکیده

در قرن پنجم با رشد و گسترش مدارس به همت پادشاهان و وزرای سلجوقی، پویایی علم و دانش را شاهد هستیم. مدرسه‌های علمی مشهور به نظامیه بر اساس اندیشه‌ی سیاسی و مذهبی خاص خواجه نظام‌الملک با رویکرد تعلیم و تربیت افراد و برای مناظره با دیگر رقبای صاحب نفوذ در بغداد همچون حنفیان، حنبلیان و اسماعیلیه شکل گرفت. اگرچه رونق نظامیه بغداد برای اندک زمانی پیشرفت علوم مذهبی را در پی داشت ولی در دراز مدت به دلیل ناسازگاری با جو سیاسی و مذهبی بغداد و نیشابور، اختناق فکری، تشدید اختلافات و تعصبات مذهبی ناکارآمدی خود را نشان داد و در نهایت به رکود علمی منتج شد.

در این پژوهش سعی بر این است با استناد به منابع تاریخی اهداف شکل‌گیری نظامیه‌ی بغداد، نقش آن در پیشرفت علوم و به تبع آن عوامل انحلال و اضمحلال نظامیه را مورد تبیین و تحلیل قرار دهد.

**کلید واژه:** سلجوقیان، خواجه نظام‌الملک، نظامیه، رکود علمی.

---

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی، [s.ansari73@ymail.com](mailto:s.ansari73@ymail.com)

## مقدمه

سلاجقه پس از گسترش فتوحاتشان در مرزهای غربی و شرقی، بنابر سنت دیرینه جهت کسب مشروعیت حکومتی در بین مجامع مذهبی و عامه مردم به تعامل با خلفای عباسی پرداختند. این امر در وهله‌ی اول اقتدار مجدد خلفای عباسی را به دنبال داشت که پس از سیطره‌ی حاکمان آل بویه تاحدی کمرنگ گردیده بود. پس از آن مقارن با تکاپوی وزیر بزرگ سلجوقی، خواجه نظام الملک برای دایر کردن مدارس و اماکن علمی متناسب به خویش با عنوان «نظامیه»، گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی دیگری نظیر اسماعیلیان، حنبلیان، شافعیان، اشعریان و حنفیان در بغداد و سایر قسمت‌های قلمرو سلجوقیان فعالیت یافتند و هر یک برای اثبات هویت وجودی خویش و کسب مشروعیت به خلیفه عباسی متوسل شدند. در این میان با عنایت خاص خواجه نظام الملک، مذهب شافعی رشد و نمو خاصی در نظامیه‌ها یافت. نظامیه‌ها با تعالیم مخصوص خود در زمانی اعتلای علم و دانش را به دنبال داشتند ولی پس از مدتی در نتیجه عواملی به رکود علم در قلمرو اسلامی منجر گردید که موضوع پژوهش کنونی می‌باشد.

### اهداف تشکیل نظامیه

کنکاش در منابع مرتبط با سلجوقیان و انگیزه‌های ساخت مدارس نظامیه ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که در درجه اول اوضاع سیاسی و مذهبی جامعه‌ی آن روز و تمایلات مذهبی خواجه نظام الملک نیز در گسترش این امر نقشی بسزا داشته است. نخستین هدف خواجه نظام الملک از تأسیس این مدارس به تمایلات مذهبی و گرایش دینی وی یعنی شافعی بودن باز می‌گردد. در واقع با واکاوی ابعاد مذهبی شخصیت خواجه نظام الملک و نقش وی به عنوان وزیر بزرگ سلجوقیان به این نتیجه دست می‌یابیم وی به دو چیز علاقه‌ی وافری داشته



و تمام تلاشش نیز در جهت محقق ساختن آن‌ها بوده است: یکی علاقه به رشد علوم دینی و دیگری جانبداری از مذهب شافعی و اشاعه‌ی طریقه اشعری که خود از پیروان سرسخت و متعصب آن بوده است. در واقع هدف اول ریشه در تعلیمات مذهبی خواجه در عنفوان حیاتش نزد استاد ابوالمعالی جوینی داشت و هدف دوم با تأثیر از هدف اول به عملکرد عمیدالملک کندی وزیر طغرل سلجوقی باز می‌گردد (اصفهانی، ۱۴۰۳: ۲۰) زیرا کندی با سختگیری و تعصبات نابجا نسبت به شافعیان و اشعریان خراسان، زمینه ساز کینه و نفرت خواجه و پیروان مذهب فوق نسبت به دیگر مذاهب و همینطور انگیزه‌ای شد تا با تأسیس مدارس شافعی مذهب و نظامیه‌ها در زمانی نه چندان دور دیگر مذاهب را تضعیف نماید (ابن اثیر، ۱۳۵۷: ج ۸، ۹۸-۹۶) و اینگونه ضعیفی را که متوجه مذهب شافعی شده بود، از بین ببرد و در این راه تمام امکانات مادی و معنوی خود را در انحصار شافعی مذهب قرار داد. حتی خواجه نظام الملک بزرگان شافعی مذهب را که در نتیجه‌ی رفتار ناپسند عمیدالملک کندی ناگزیر به ترک وطن شده بود به خراسان بازخواند و با تأسیس مدرسه نظامیه نیشابور جانی دوباره به حیات شافعیان بخشید. از دیگر نشانه‌های توجه ویژه خواجه به مذهب شافعی، دروس تدریسی منتخب در نظامیه‌ها می‌باشد که اکثراً شامل فقه، حدیث، صرف، لغت و ادب می‌باشد. حتی اساتید، شاگردان، مباحث و مناظرات آنان همه با گرایش شافعی بودند. (ابن کثیر، ۱۹۶۶: ج ۱۲، ۱۳۵)

دومین هدف خواجه نظام الملک به تلاش وی در جهت پیوند دین و دولت باز می‌گردد. بغداد مقارن با دوره مورد بحث نه تنها مرکز اسمی خلافت اسلامی بشمار می‌رفت بلکه مرکز و مبدأ شکل‌گیری نهضت‌های فکری دنیای اسلام نیز بود. به همین سبب هر گونه تلاشی در راه تقویت شعائر مذهبی و سیاسی به تأیید خلافت نیاز داشت. بر این اساس خواجه نظام الملک و اندیشمندان سیاسی



معاصرش چون غزالی و ماوردی با نظریه پردازی و تکیه بر قدرت نظامی آل سلجوق، با برحق دانستن حکومت آل عباس در صدد ترسیم سیمای ایدئولوژیکی خلافت عباسی جهت مشروعیت بخشی به آن برآمدند تا نیروی از دست رفته‌ی آن در نتیجه‌ی تسلط امیران آل بویه و دیگر حاکمان شیعی را باز گردانند و آنان یکی از راه‌های اشاعه‌ی اندیشه‌ی پیوند خلافت و حکومت را ایجاد مراکز علمی و آموزشی نظیر نظامیه بغداد یافتند. بدین صورت خواجه نظام الملک علاوه بر احیای تسنن و کسب مشروعیت خلافت، حمایت علما و سایر طبقات مذهبی را با شرکت دادن آن‌ها در اجرای امور سیاسی و مذهبی جلب می‌نمودند.

سومین هدف خواجه نظام الملک از ایجاد نظامیه‌ها، مبارزه با مبلغان اسماعیلیه و فاطمیان و تعلیمات مدرسه جامع الازهر مصر بود. با گسترش فعالیت مبلغان اسماعیلی در بغداد و جذب حامیان بسیار، خواجه دریافت رویارویی و غلبه بر آنان فقط با قدرت نظامی صرف نمی‌باشد بلکه بایستی با ایجاد مراکز فکری و علمی به مبارزه با آنان برخیزد. بر این اساس خواجه با ایجاد نظامیه‌ها سعی داشت با تربیت افراد خیره در مسائل مذهبی از گسترش تبلیغات وسیع پیروان اسماعیلی و داعیان فاطمی در مشرق زمین و حوزه‌ی خلفای عباسی و پادشاهان سلجوقی جلوگیری نماید. زیرا هدف اصلی اسماعیلیان سرنگونی قهرآمیز دستگاه خلافت بود که از نظر متشرعان اهل سنت هم‌چون غزالی این مسئله اسباب زوال شریعت را فراهم می‌ساخت. (لاتوست، ۱۳۵۴: ج ۱، ۶۲) طباطبایی نظریه‌ی غزالی در رابطه‌ی دین و نجات مملکت را اینگونه مطرح می‌سازد: «مملکت و مملکت بر شریعت تقدم دارد زیرا اگرچه دین و دولت توأم‌اند ولی بقای دین بی‌مملکت امکان پذیر نیست.» (طباطبایی، ۱۳۶۵: ۶۳) بدین طریق خواجه با پشتیبانی علما توانست اساس وحدت مذهبی را در مرکز دنیای اسلام فراهم سازد و از سوی



دیگر مانع تبلیغات گسترده مدرسه جامعه الازهر مصر شود و راه را برای گرویدن سایر فرقه‌ها به مذهب شافعی باز نماید.

بر این اساس خواجه نظام الملک در راستای تحقق اهداف خویش به ساخت نظامیه‌ها در نقاط کثیری از قلمرو اسلامی همچون بغداد، بصره، موصل، اصفهان، نیشابور، بلخ، هرات، مرو، بخارا، مرو، آمل و طبرستان مبادرت ورزید که مهمترین آن‌ها نظامیه بغداد و نیشابور بود. (حسینی، ۱۳۸۰: ۹۰) چنانکه هندوشاه در این باره می‌گوید: «نظامیه بغداد بسیار مبارک است و بزرگان بسیاری از علما مثل امام ابواسحاق شیرازی در آنجا درس گفته‌اند و اکثر اوقات از نظامیه فقها و فضلا به افطار ممالک می‌روند و هر کس از طلبه در آنجا ساکن شود حق تعالی به او چیزی از علم روزی می‌کند.» (نخجوانی، ۱۳۵۷: ۲۷۰) در حقیقت دلیل رونق و گسترش نظامیه‌ها را باید در توجه خاص خواجه نظام الملک برای فراهم سازی امکانات و تجهیزات آموزشی، مجهز بودن مدارس به کتابخانه، تالار مخصوص وعظ و سخنرانی، (زرین کوب، ۱۳۳۵: ص ۳۸-۳۹) امکانات رفاهی برای استادان و طلاب، مستمری ماهیانه جهت رفع نیازمندی‌های آنان، (نخجوانی، ۳۳۴؛ کسای، ۱۳۶۱: ۱۴) داشتن لباس و دستار مخصوص، (ابن الفوطی، ۱۹۳۲: ۵۵) سیستم آموزشی با درجات علمی معین و مخصوصی برای اعضای گروه‌های آموزشی تحت عناوین مدرس، معید، نائب معید، خازن الحکمه، (سبکی، بیتا: ۱۳۷ و ۳۱) ایجاد و انعقاد مجالس وعظ، خطابه و مناظره و ... از دیگر نتایجی بود که در پرتو رونق نظامیه صورت می‌گرفت.

### علل رکود نظامیه بغداد

همانطور که در قسمت پیشین ذکر شد نظامیه بغداد با تحول و بهبود در وضعیت آموزشی و سیستم گزینش اساتید، تامین امکانات رفاهی و کمک آموزشی نقش مؤثری در رشد و اعتلای فرهنگ و دانش اسلامی ایفا کرد ولی برخی از برنامه‌-



های آموزشی و عملکردی این سیستم به دلیل عدم انطباق با اوضاع و شرایط سیاسی و مذهبی بغداد و نیشابور، رقابت فرقه‌های متعدد با یکدیگر و وضعیت درونی حکومت سلجوقیان در دراز مدت چندان مفید و مؤثر نبود و به جای ارتقای علم به انحطاط آن منجر گردید. علاوه بر این رئیس نظامیه بغداد یکی از شخصیت‌های برجسته و متفرد دارالخلافة محسوب می‌شد و حقیقتاً چنین فردی به راحتی نمی‌توانست از حوادث سیاسی رخ داده در بغداد کناره‌گیری کند و موضع خود را در خصوص هر حادثه‌ای روشن نسازد. بر این اساس نظامیه به مرور زمان پیامدهای منفی از خود بر جای گذاشت که در نهایت رکود و انحطاط عملکرد نظامیه را در پی داشت. در این قسمت به پیامدهای عملکرد نظامیه و عوامل رکود آن تبیین و تحلیل خواهد شد.

اولین پیامد حاصله از تعلیمات نظامیه، شعله‌ور شدن مناقشات و منازعات مذهبی و فرقه‌ای در بغداد و به تأثیر از آن سایر مناطق جهان اسلام بود. همانطور که ذکر شد اندیشه‌ی خواجه نظام الملک در رقابت با عمید الملک کندی و اسماعیلیان جهت گسترش مذهب شافعی و مکتب اشعری، سبب برپایی محافل علمی و مناظره به منظور ابطال و نفی عقائد مخالفان شد. لکن دیری نپایید که مدارس نظامیه و مجالس وعظ به جای نزدیک ساختن پیروان مذاهب و از بیم بردن موارد اختلاف عامل ایجاد تشتت و تفرقه بین مذاهب و برانگیختن احساسات مردم و کانون درگیری‌های نوین شدند و این منازعات از پای منبرهای وعظ اوج می‌گرفت و به زد و خورد و نزاع در خارج از مدارس منتهی می‌گشت. تکرار این مناقشات و برخورد رؤسای مذاهب از مسائل رایج آن عصر بود. مثل ابن القشیری که با پشتیبانی خواجه نظام الملک، شحنة بغداد و مدرسان نظامیه بغداد (ابواسحاق شیرازی و ابوسعید نیشابوری) به حمایت از اشعری مذهب و ابطال عقاید حنابله پرداخت و فتنه‌ای عظیم برپا ساخت که در نتیجه‌ی



آن جمعی از فریقین به هلاکت رسیدند. (اصفهانی، ۱۴۰۳: ۴۹-۵۱؛ ابن کثیر، ۱۹۶۶: ج ۱۲، ۱۲۶) یا درگیری در ساخت مقبره و مدرسه ابوحنیفه توسط ابوسعید مصطفوی حنفی، (ابن کثیر، ۱۹۶۶: ج ۱۲، ۹۵) ساخت مدرسه تاجیه توسط تاج الملک، صدور فتوای لغو لعن معاویه و یزید توسط ابوحامد غزالی به دلیل خصومت با شیعیان، (ابن خلکان، بیتا:، ج ۱۲، ۴۵۰) شورش شیعیان کرخ و ... از دیگر نتایج مباحث جدلی بود. در حقیقت این منازعات به رفتار سیاسی و مذهبی خواجه نظام الملک و سایر مدرسان نظامیه باز می‌گردد. زیرا در جریان منازعات فرقه‌های مذهبی به جای داوری و حل مسئله با طرفداری از نظامیه و مدرسان و متهم ساختن حنبلیان به بدعت گذاری آتش خشم آنان را شعله‌ور می‌ساختند. (ابن الجوزی، ۱۴۱۲: ج ۱۵، ۳۴۰) شدت تبلیغات شافعیان علیه دیگر فرقه‌ها و محاربات آنان به حدی بود که در قرن پنجم نظامیه به یکی از فتنه انگیزترین مراکز فرهنگی و علمی بغداد تبدیل شد. به طوریکه حنبلیان یکی از اهداف نظامیه را از بین بردن دین و تطمیع بی‌دینان دانستند. در چنین وضعیتی عملکرد علما و فقیهان سایر مذاهب فقط یک معنا داشت؛ فدا شدن حقیقت در برابر تعصب و اغراض دینی. در واقع این اعمال تلاش جهت نفوذ در شخص خلیفه و کسب مشروعیت برای اقتدار و نفوذ در بغداد بود. (سیوطی، ۱۳۵۱: ۴۴۹)

البته لازم به ذکر است اثرات منفی برگزاری مجالس وعظ و خطابه فقط باعث کشمکش‌های مذهبی و فرقه‌ای نگردید بلکه با شیوع فتنه‌ها و انحصاری شدن امکانات آموزشی و نظارت بزرگان علم به فرقه‌ای خاص و تقویت آن از لحاظ مادی و معنوی، دیگر مراکز علمی و فرهنگی با رکود علمی مواجه شدند و علما و طلاب به جای رقابت مثبت در نوآوری و پویایی برای کشف حقایق علمی به مسائل حاشیه‌ای و فرقه‌ای گرایش یافتند که رکود علمی را به بار آورد. اگرچه خواجه برای تقویت و گسترش علوم دینی تلاش‌های وافری نمود ولی



جهت گیری فکری و مذهبی عمل وی و مزید بر آن برخی برنامه‌های آموزشی و مالی نظامیه با اندیشه و عمل بعضی علما هماهنگی و همخوانی نداشت و سبب اعتراض آنان گردید. چنان که علمای ماوراءالنهر وقتی از تأسیس مدارس در شرق آگاه شدند برای علم به ماتم و عزا نشستند و گفتند: «ارباب همت‌های والا و مردمان پاک سیرت علم را از آن جهت ارج می‌نهادند که معتقد به شرف و کمال آن بودند و علم را به خاطر علم دوست داشتند و در سایه‌ی چنین نیت و اهدافی عالی توانستند دانشمندانی مفید و سودمند برای جامعه به ارمغان آورند. آنگاه در برابر علم و تعلیم و تدریس مزد و مقرری تعیین نمودند افراد سودجو و فرومایه و سست عنصر بدان روی آوردند. (الهامی، ۱۳۴۰: ۵۶)

عدم آزادی اندیشه و اختناق فکری یکی دیگر از نتایج عملکرد منفی نظامیه بود. در واقع با استناد به مطالب پیشین می‌توان گفت مدارس نظامیه با منحصر نمودن تعلیم خویش در حیطه‌ی فرقه‌ی شافعی و مکتب اشعری به سختی اجازه حضور و ورود افراد از دیگر فرقه‌ها را در مجالس تعلیمی خویش می‌داد. علاوه بر این رشته‌های علمی مختص شافعیان را تدریس می‌نمودند و شاخه‌های علمی نظامیه از گستردگی و تنوع رشته‌ای برخوردار نبود. در نتیجه محدوده‌ی فکری و اندیشه‌ای فرد قلمرو خاصی داشت و از آزادی اندیشه خبری نبود و اینگونه فرد دچار انجماد و رکود فکری شد. چه بسیار دانشمندانی که از هر جهت شایستگی تدریس در این مدارس را داشتند ولی تنها به خاطر شافعی نبودن از تدریس در نظامیه محروم شدند و یا حین تدریس به جهت مذهبی مورد سوء ظن قرار گرفتند. مثل فصیحی استرآبادی از مدرسان ادبیات نظامیه «تنها به خاطر اقرار به تشیع از تدریس در نظامیه و استفاده از نان و مسکن و مدرسه محروم شد.» (حموی بغدادی، ۱۴۰۰: ۴۱۵)

مبارزه با علوم عقلی به ویژه فلسفه از دیگر نتایج منفی عملکرد نظامیه بود.





خواجه نظام الملک با تحمیل ایدئولوژی مذهبی خاص خویش روشی را در نظامیه بنیان نهاد که علاوه بر رکود علم و دانش و آشفته ساختن محیط مذهبی و سیاسی، به انحطاط فلسفه و علوم عقلی نیز منجر گردید. در حقیقت در این زمینه نقش ابوحامد غزالی به عنوان بزرگترین و تأثیر گذارترین رئیس نظامیه قابل تأمل می باشد زیرا توجه غزالی به اهمیت و جایگاه فقه، بر خورداری از تعالیم دینی و فقهی استادش ابوالمعالی جوینی و حمایت وزیر بزرگ سلجوقیان خواجه نظام الملک از وی سبب ورود وی به عرصه‌ی سیاست و مذهب و نقش کارساز وی در نظامیه گردید و مبارزه جدی او با فلسفه مشایی و اندیشه‌ی ابن سینا و فارابی در کتاب تهافت الفلاسفه آمده است. زیرا در محیط سیاسی و مذهبی دارالخلافه اسلامی فلسفه و علوم عقلی هیچ گونه جایگاهی نداشت. (لاتوست، ۱۳۵۴: ۲۸)

علاوه بر مسائل فوق که باعث رکود اقتدار و عملکرد نظامیه شد باید به اوضاع سیاسی و وضعیت درونی سلجوقیه نیز توجه داشت زیرا نظامیه بعد از از دست دادن دو حامی اصلی اش یعنی ملکشاه و خواجه نظام الملک، دیگر ناظر جدی را به چشم خود ندید و پادشاهان سلجوقی به دلیل کشمکش های سیاسی درونی و مبارزات مکرر با اسماعیلیه و سایر رقبا از اوضاع نظامیه غافل گردیدند و فعالیت علمی نظامیه مانند سابق رونق نداشت.

علاوه بر این تلاش رقبای سیاسی و دینی خواجه نظام الملک همچون تاج الملک ابوالغنائیم، اسماعیلیان ایران و فاطمیان مصر و حتی پادشاهان را نباید از نظر دور داشت که با تأسیس مدارس مخالف تعالیم نظامیه بر آشوبها و خصومتها افزودند. زیرا شخصی مثل ملکشاه پس از سفر به بغداد و مشاهده‌ی ابهت و نفوذ خواجه نزد خلیفه و فقها برای تضعیف شکوه و جلال وی، تاج الملک را به ساخت مدرسه‌ای در بغداد تشویق نمود. (اصفهان، ۱۴۰۳: ۲۳۴؛ حسینی، ۱۳۸۰: ۶۰) همچنین با حضور وزیر شیعی خلیفه یعنی ابن علقمی در

بغداد، سست شدن روابط خلیفه و پادشاهان سلجوقی، سقوط سلجوقیان و چندی بعد نفوذ ایلخانان در بغداد و گسترش اندیشه‌های شیعی خواجه نصیر الدین طوسی، ساخت مدرسه مستنصریه و اختصاص آن به مذاهب چهارگانه سبب انحطاط کلی نظامیه شد. (ابن فوطی، ۱۹۳۲: ۵۳)



### نتیجه:

اساس شکل گیری نظامیه‌ها، اندیشه‌های توسعه طلبانه‌ی سیاسی و مذهبی خواجه نظام الملک بود. وی با بکارگیری سیستم نوین آموزشی و علمی و مجرب‌ترین اساتید سعی در ارتقای فرهنگ اسلامی با تکیه بر مکتب شافعی نمود. ولی غافل از این که انحصاری شدن علم و دانش فقط برای مدتی کوتاه بازدهی داشت و در دراز مدت علاوه بر ایجاد تنش با دیگر فرقه‌ها و آشفتن ساختن محیط علمی، کارایی‌اش را از دست داد و نه تنها به رشد و ترقی منجر علمی نشد بلکه انحطاط و رکود را به دنبال داشت. نظامیه در ابتدای کارکرد خویش جمع کثیری از اساتید و طلاب را از سراسر مناطق اسلامی گرد آورد و برپایی جلسات تدریس علوم فقهی نظامیه منشأ شکل گیری مدارس فرقه‌های دیگر نظیر حنبلی و شیعی گردید که در رقابت با یکدیگر فعالیت می‌نمودند. این اقدام نظامیه باعث اعتلای مقام علما و علم در نزد همگان و الگویی برای آیندگان گردید. ولی منازعات فرقه‌ای و تشنجات سیاسی ناشی از فعالیت علما در نظامیه و مبارزه با علوم عقلی همچون فلسفه، فضای علمی مجالس را متشنج ساخت. همین عوامل باعث شد تا بعد از مدتی نظامیه دچار رکود شود و علما و طلاب به مدارس دیگر گرایش یابند.

## منابع و مأخذ

- ۱- ابن اثیر، عزالدین، **الکامل فی التاریخ**، (۱۳۷۱)، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی
- ۲- ابن الجوزی، ابوالفرج، (۱۴۱۲.ه.ق)، **المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک**، به کوشش محمد بن عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمی
- ۳- ابن الفوطی، (۱۹۳۲)، **حوادث الجامعه**، به اهتمام مصطفی جواد، بغداد، بینا
- ۴- ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۶۳)، **العبر و دیوان مبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر**، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- ۵- ابن خلکان، احمد بن ابی بکر، (بیتا)، **وفیات الاعیان و انباء انباء الزمان**، مصحح دکتر احسان عباس، بیروت، دارصاد
- ۶- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، (۱۹۶۶م)، **البدایه و النهایه**، بیروت، مکتبه المعارف
- ۷- الهامی، علیرضا، (۱۳۴۰)، «**کثرث مدارس عالی در جهان اسلام**»، نشریه مکتب اسلام، ش ۹، ص ۵۶
- ۸- اصفهانی، عماد الدین محمد بن حامد، (۱۴۰۳.ه.ق)، **تاریخ دولت آل سلجوق**، مصحح یحیی مراد، بیروت دارالکتب العلمیه
- ۹- حسینی، صدر الدین ابوالحسن علی بن ناصر بن علی، (۱۳۸۰)، **زبده التواریخ (احوال امراء و الملوک السلجوقیه، مصحح رمضان روح الهی، تهران، ایل شاهسون بغدادی**
- ۱۰- حموی بغدادی، شهاب الدین بن عبدالله یاقوت بن عبدالله، (۱۴۰۰.ه.ق)

معجم الادبا، بيروت، دارالفکر

۱۱- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۳۵)، کارنامه اسلام، تهران، امیر کبیر، چاپ

دوم

۱۲- سبکی، تاج الدین ابی نصر، (بیتا)، طبقات الشافعیه الکبری، مصحح

عبدالفتاح محمد حکدو، بینا

۱۳- سیوطی، جلال الدین، (۱۳۵۱.ه.ق)، تاریخ الخلفاء، مصر، بینا

۱۴- طباطبایی، جواد، (۱۳۶۵)، «منحنی تحول اندیشه سیاسی غزالی»، نشریه

معارف، دوره سوم، ش ۳، آذر - اسفند

۱۵- کسای، نورالله، (۱۳۶۱)، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن،

تهران، امیر کبیر، چاپ دوم

۱۶- لاتوست، هنری، (۱۳۵۴)، سیاست و غزالی، مهدی مظفری، ج ۱، تهران، بنیاد

فرهنگ ایران

۱۷- نخجوانی، محمد بن هندو شاه، (۱۳۵۷)، تجارب السلف، تهران، طهوری